

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹  
۹۰



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

# بررسی احکام و شرایط مقرر در فقه و حقوق موضوعه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد حیدری خراسانی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد جواد وزیری فرد

نگارنده:

مهدی نادری

۱۳۸۶/۱۰/۱۲

۱۰۴۲۱۴

تابستان ۱۳۸۶

کتابخانه  
دانشگاه قم

تقدیم به:

مادر،

الگوی صبر و شکیبایی و عزیزترین گوهر زندگانیم.

## تقدیر و تشکر:

﴿من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق﴾

با تقدیر و تشکر از تمامی اساتید و معلمان ارجمند، به خصوص  
دکتر محمدجواد حیدری خراسانی، - استاد راهنما و  
دکتر سیدمحمدجواد وزیری فرد - استاد مشاور که در مراحل  
مختلف این رساله، هادی و راهنمای من بوده‌اند.  
و با سپاس از زحمات خواهر و برادر مهربانم که در تمام  
دشواریها مرا یاری نمودند.

## چکیده:

اقرار عبارت است از اخبار به حق به ضرر خود، اثر اقرار آن است که مُقِر، ملزم به اقرار خویش می‌گردد. مُقِر باید بالغ، عاقل، دارای قصد، رشید، مختار و حر باشد. در اقرار به امور مالی لازم است مُقِر، مُفلس (ورشکسته) نباشد. اقرار مریض به عین یا دین برای وارث و غیر وارث در صورت متهم بودن مُقِر، از ثلث مال نافذ و بیشتر از ثلث منوط به اجازه ورثه است و در صورت عدم اتمام، از اصل مال نافذ است؛ اعم از اینکه ورثه اجازه بدهند یا ندهند. اقرار به نسب شامل اقرار به نسب فرزند (صلبی) و غیر فرزند است. اقرار به فرزند شامل، دو قسم اقرار به نسب شخص صغیر و اقرار به نسب شخص کبیر می‌شود. در الحاق صغیر به مُقِر، تصدیق صغیر شرط نیست. در اقرار زن به فرزند صغیر اختلاف وجود دارد: قول مشهور، قائل به صحت اقرار زن است. در اقرار به فرزند کبیر، علاوه بر شرایط مذکور، تصدیق وی نیز لازم است. بین نسب و زوجیت تلازمی وجود ندارد. از آنجایی که اقرار به غیر فرزند صلبی، موجب تحمیل نسب به غیر و ادّعا علیه دیگری است، سرایت نسب منوط به شهادت عدلین (قیام بیّنه) است. ولی با وجود شرایطی بین مُقِر و مُقَرَّله توارث حاصل می‌شود. بیشتر جرایم حدّی با یک بار اقرار ثابت می‌شوند؛ ولی برخی امور کیفری مثل سرقت و زنا با دو و چهار بار اقرار به اثبات می‌رسد. امامیه در جواز رجوع از اقرار به حق‌الله، در مورد زنای موجب رجم، اجماع دارند و مشهور، زنای موجب قتل را نیز به آن ملحق نموده‌اند. در حقّ النَّاس، رجوع مُقِر از اقرار خود و انکار آن پذیرفته نیست، مگر اینکه مُقِر برای رجوعش دلیل قانع‌کننده‌ای ذکر کند ولی در حق‌الله مانند زنای موجب رجم، رجوع مُقِر مسموع و در زنای موجب قتل مانند زنای با محارم، قول قوی این است که رجوع از اقرار مسموع است. هرگاه اقرار با بیّنه تعارض کند، قول مُقِر مقدم می‌شود و هرگاه اقرار با اقرار دیگری، در باب جنایات تعارض کند، ولی دم مخیر به عمل به یکی از دو اقرار متعارض است.

**کلیدواژه‌ها:** مُقِر - مُقَرَّبه - مُقَرَّله - قصد - رشد - اکراه - شرایط مُقِر - احکام اقرار -

تعارض اقرار - اقرار به نسب - اقرار به حدود - اقرار مریض.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	مقدمه
۴	۱. مطالعات اولیه پیرامون احکام اقرار و شرایط مُقَر
۴	۱-۱. بیان مسأله
۴	۲-۱. پیشینه و سابقه تحقیق
۵	۳-۱. پرسشهای تحقیق
۵	۴-۱. ضرورت تحقیق
۵	۵-۱. فرضیه‌های تحقیق
۷	۲. تعاریف و واژه‌شناسی موضوع
۷	۱-۲. اقرار در لغت و اصطلاح
۷	۲-۱-۱. اقرار در لغت
۸	۲-۱-۲. اقرار در اصطلاح
۹	۲-۱-۳. فقه در لغت و اصطلاح
۹	۲-۱-۴. حقوق
۱۰	۲-۲. ارکان اقرار
۱۰	۲-۲-۱. مُقَر
۱۰	۲-۲-۲. مُقَرَّله
۱۱	۲-۲-۳. مُقَرَّبه
۱۲	۲-۲-۴. صیغه اقرار
۱۴	فصل دوم: شرایط مُقَر
۱۵	۱. بلوغ
۱۵	۱-۱. بلوغ در لغت و اصطلاح
۱۵	۱-۱-۱. بلوغ در لغت
۱۵	۱-۱-۲. بلوغ در اصطلاح
۱۶	۲-۱. علایم بلوغ
۱۶	۲-۱-۱. انبئات شعر
۱۶	۲-۱-۲. احتلام
۱۷	۲-۱-۳. سنّ

۱۸	..... ۴-۲-۱. حیض
۱۸	..... ۲. عقل
۱۸	..... ۱-۲. تعریف جنون و انواع آن
۱۹	..... ۲-۲. نظر فقها در مورد جنون ادواری و اطلاق
۱۹	..... ۳-۲. نقش عقل در اقرار
۲۰	..... ۳. قصد
۲۱	..... ۴. رشد (عدم سفاقت)
۲۱	..... ۱-۴. تعریف رشد
۲۱	..... ۴-۱-۱. تعریف لغوی
۲۲	..... ۴-۱-۲. تعریف اصطلاحی
۲۳	..... ۴-۱-۳. رشد از دیدگاه امام خمینی (ره)
۲۴	..... ۴-۱-۴. حکم سفیه در قانون مدنی
۲۴	..... ۵. عدم افلاس و ورشکستگی
۲۴	..... ۱-۵. تعریف مفلس در لغت
۲۵	..... ۲-۵. تعریف مفلس در عرف و اصطلاح فقها
۲۶	..... ۳-۵. اقرار مفلس در قانون مدنی
۲۶	..... ۶. عدم کراهت
۲۶	..... ۱-۶. اکراه در لغت
۲۶	..... ۲-۶. اکراه در اصطلاح
۲۷	..... ۳-۶. گفتار دوم: اکراه در قانون مدنی
۲۸	..... ۴-۶. اضطرار
۲۸	..... ۵-۶. اکراه در اقرار
۲۹	..... ۶-۶. نظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> در مورد اکراه
۳۰	..... ۷. حریت
۳۰	..... ۸. اقرار شخص مریض
۳۰	..... ۱-۸. تعریف بیماری، صحت و مرض موت
۳۱	..... ۲-۸. اختلاف در حکم اقرار مریض
۳۲	..... ۳-۸. حکم اقرار مریض از نظر امامیه
۳۵	..... فصل سوّم: حکم اقرار کننده به نسب و حدود
۳۶	..... ۱. حکم اقرار به فرزند
۳۶	..... ۱-۱. اقرار به فرزند صغیر و نابالغ و شرایط آن
۳۷	..... ۲-۱. نظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> در شروط صحت اقرار به فرزند صغیر و نابالغ

- ۳۸ ..... ۳-۱. عدم تصدیق صغیر و مجنون در ثبوت نسب
- ۳۹ ..... ۴-۱. نظر امام خمینی راجع به صغیر مجهول النسب
- ۴۰ ..... ۵-۱. اقرار زن به فرزند صغیر
- ۴۱ ..... ۶-۱. اقرار به فرزند کبیر (بالغ)
- ۴۲ ..... ۲. حکم اقرار، به غیر فرزند
- ۴۲ ..... ۱-۲. شرایط اقرار به غیر فرزند
- ۴۴ ..... ۲-۲. عدم تلازم بین زوجیت و نسبیت
- ۴۵ ..... ۳-۲. وجوه افتراق در حکم اقرار به فرزند و غیر فرزند
- ۴۶ ..... ۴-۲. بیان برخی مسائل مهم اقرار به نسب
- ۵۵ ..... ۳. حکم اقرار به حدود
- ۵۵ ..... ۱-۳. صور حق در حدود
- ۵۶ ..... ۲-۳. وجوه تمایز احکام اقرار در حق الناس و حق الله
- ۵۶ ..... ۱-۲-۳. اختلاف در قبول و عدم قبول رجوع از اقرار
- ۶۰ ..... ۲-۲-۳. تفاوت از حیث دفعات اقرار و نظر امام خمینی علیه السلام
- ۶۴ ..... ۳-۲-۳. مخیر بودن امام در اقامه حدّ عفو و نظر امام خمینی علیه السلام
- ۶۷ ..... ۴-۲-۳. تفاوت در اختیار و عدم آن در تشویق رجوع از اقرار برای قاضی
- ۶۹ ..... ۵-۲-۳. تفاوت در اقرار نزد قاضی
- ۶۹ ..... ۶-۲-۳. تسامح در اقرار به حق الله و دقت نظر در اقرار به حق الناس
- ۷۰ ..... ۷-۲-۳. اهمیت شکایت و نقش شاکی خصوصی در حق الناس و حق الله
- ۷۱ ..... ۸-۲-۳. وجوب و کراهت در اقرار به حق الله و حق الناس
- ۷۱ ..... ۹-۲-۳. تفاوت ابهام‌گویی در حق الله و حق الناس
- ۷۳ ..... ۱۰-۲-۳. اختلاف در رجوع و توبه در حق الناس و حق الله
- ۷۳ ..... ۳-۳. آیا انکار و رجوع مؤثر از اقراری که موجب جلد است، مانند زنا یا غیر محصنه و شرب  
خمر، موجب سقوط جلد می‌شود؟
- ۷۴ ..... ۷۴
- ۷۵ ..... ۴-۳. آیا حد قتل به رجم ملحق می‌شود؟
- ۷۶ ..... ۵-۳. آیا رجوع از اقرار به سرقت موجب سقوط حدّ می‌شود؟
- ۷۷ ..... ۶-۳. حدّ قطع بوسیله دوبار اقرار و نظر امام خمینی علیه السلام
- ۷۷ ..... ۷-۳. آیا فرار مؤثر از حفره رجم در حکم رجوع می‌باشد؟
- ۷۹ ..... نتیجه‌گیری

## فصل چهارم: تعارض، تنافی و تکذیب اقرار

- ۸۲ ..... ۱. مقدمه
- ۸۳ ..... ۱-۱. تعارض قول مؤثر با بیّنه
- ۸۴ ..... ۱-۱. تعارض قول مؤثر با بیّنه



۸۶	۲-۱. بررسی آرا و نظرات فقها نسبت به روایت زراره
۸۷	۲. حکم تنافی در گفتار دو اقرار کننده در موضوع واحد
۸۷	۱-۲. حکم تعارض در گفتار دو اقرار کننده در باب جنایات
	۱-۱-۲. هرگاه فردی به قتل عمدی فردی اقرار کند سپس شخص دیگری بیاید و اقرار کند
۸۸	که او مقتول را کشته و مُقرِ اوّل از اقرار خود برگردد
	۲-۱-۲. هرگاه دو نفر، یکی به قتل عمدی و دیگری به قتل خطایی شخص معینی اقرار کنند
۹۱	۲-۲. حکم تعارض در باب مسائل حقوقی و مالی
۹۶	۳. حکم اقراری که مُقر ادعا کند که در اقرارش دروغ گفته است
۹۸	۴. فروع بحث تعقیب اقرار به منافی
۱۰۱	نتیجه گیری
۱۰۳	فهرست منابع و مآخذ

# فصل اوّل:

کلیّات و مفاهیم

## مقدمه

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>(۱)</sup>

«ای رسول ما، همانا قرآن را بر تو نازل نمودیم، در حالی که بیان کننده همه چیز است.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>

«ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا، گواهی دهید، هر چند به ضرر خودتان باشد.»

قرآن کریم، قانون اساسی مسلمانان، از صدر اسلام تا کنون بوده است و خدای سبحان هیچ مسأله‌ای را در آن فروگذار نکرده است و به حق برنامه‌ای کامل، برای رستگاری جامعه بشری است که هر کس این برنامه جامع و این چراغ منیر را فرا راه خویش قرار دهد، به یقین به آن فیض عظیم که خداوند وعده فرموده است، نایل خواهد آمد.

یکی از مباحثی که در آیات قرآن و به طور مفصل‌تر در روایات بدان پرداخته شده است، بحث اقرار می‌باشد. اهمیت اقرار و در رأس آن مسائل و شرایط مقرر بر کسی که اندک آشنایی با مسائل فقهی و حقوقی اسلام داشته باشد، پوشیده نیست. در تمام نظامهای حقوقی جهان، اقرار به عنوان مهمترین دلیل اثبات دعوی پذیرفته شده و چنانچه خواهد آمد، مهمترین دلیل حجیت اقرار، سیره یا بنای قطعی عقلای عالم می‌باشد و آیات و روایات دال بر حجیت اقرار، امضای شارع نسبت به این سیره محسوب می‌شود. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران،

۱- قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۸۹.

۲- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۳۵.

در بحث ادله اثبات دعوی، از اقرار به عنوان اولین دلیل نام برده شده و در ماده ۱۲۵۸ آمده است: دلایل اثبات دعوی از قرار زیر است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم. ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: با وجود اقرار به حقی، مطالبه دلیل دیگر از مقرر لازم نیست. زیرا اقرار کاملترین دلیل اثبات حق است. غالباً در رسیدگی به دلایل غیر از اقرار و صدور حکم مطابق آن، قاضی دچار یک نگرانی است که مبادا در حین رسیدگی، حقی از نظر او پنهان مانده باشد. ولی در حکمی که مستند به اقرار است، چنین نگرانی وجود ندارد. زیرا هیچکس بهتر از خود شخص به نهان کار خویش آگاه نیست و قاضی هر چند هوشمند و تیزبین باشد به مصداق گفته معروف که «قاضی جاهلی است میان دو عالم»، نخواهد توانست مانند خود طرفین دعوی به واقعیت خارجی اختلاف آنها، پی ببرد.<sup>(۱)</sup>

---

۱- فتح الله دولتشاهی، اقرار در حقوق مدنی ایران (تهران: چاپ تابان، بهمن ۱۳۴۲)، ص ۲.

## ۱. مطالعات اولیه پیرامون احکام اقرار و شرایط مُقر

### ۱-۱. بیان مسأله

موضوع این تحقیق در قالب عنوان آن بیان شده است، ولی باید توجه داشت که طبیعتاً در نهاد همین عنوان مسائل مبهم و مجهولی وجود دارد که تاکنون به روشنی و درستی مورد شناسایی عملی قرار نگرفته از قبیل شرایط نفوذ اقرار و مسائل مربوط به آن در باب نسب، حدود، همچنین مسائل مربوط به تعارض اقرار و استثناء در اقرار، همچنین مسائلی که در بحث سؤالات تحقیق به آن اشاره خواهد شد.

### ۱-۲. پیشینه و سابقه تحقیق

این موضوع از گذشته دور تاکنون، فکر فقهاء، محققان و نویسندگان را به خود مشغول داشته است. موضوع اقرار در آیات قرآن کریم و به طور مفصل تر در روایات، آورده شده است. در کتابهای فقهی مختلف از قبیل: «المبسوط والخلاف شیخ طوسی، الروضه البهیة شهید ثانی، جواهرالکلام محمد حسن نجفی، مسالک الافهام و شرایع الاسلام و... همچنین کتب حقوقی جعفری لنگرودی، ناصر کاتوریان، حسن امامی و... موضوع مُقر و شرایط و احکام آن بیان شده. اما به صورت یک فعالیت پژوهشی و تحقیق مدوّن، فعالیتی صورت نگرفته است.

### ۳-۱. پرسشهای تحقیق

۱- شرایطی که برای نفوذ گفتار مقرر لازم است چیست؟ و نبودن هر یک از شرایط چه تأثیری در نفوذ گفتار مقرر دارد؟ به عنوان مثال در بحث عقل، آیا فرقی بین جنون ادواری و اطلاق در نفوذ اقرار وجود دارد؟

۲- اقرار به نسب فرزند شامل چه بخشهایی می شود و فرق بین اقرار به نسب کبیر و صغیر چیست؟ و اگر فرزند صغیر باشد، آیا فرقی بین اینکه مقرر مرد یا زن باشد، وجود دارد یا خیر؟

۳- آیا تلازم یا رابطه ای بین نسبیّت و زوجیّت وجود دارد؟

۴- چه تفاوتی بین اقرار به حق الله و حق الناس وجود دارد؟

۵- منظور از تعارض در اقرار چیست و در چه ابوابی به وجود می آید؟

### ۴-۱. ضرورت تحقیق

با توجه به سابقه و اهمیّت بحث اقرار و خلأهایی که در این زمینه وجود دارد، از جمله تعاریف، مصادیق، ارکان و شرایط، تفاوت اقرار در مسائل حقوقی با مسائل جزایی، اقرار به نسب و تبعات حقوقی آن، بحث از اقرار العقلاء که در جای جای فقه به آن اشاره شده است؛ تعارض بین اقرار و بیّنه، تطبیق این احکام با قوانین موضوعه و مسائل دیگر، ضرورت یک کار تحقیقی را ایجاب می کرد.

### ۵-۱. فرضیه های تحقیق

۱- در مقرر بلوغ، عقل، رشد، عدم سفاهت، حریّت، عدالت شرط است.

۲- اقرار به نسب فرزند صغیر و کبیر در تصدیق با یکدیگر فرق دارند.

۳- هیچگونه تلازم و رابطه ای بین نسب و زوجیّت وجود ندارد.

- ۴- اقرار به حق الله و حق الناس از جهت رجوع از اقرار، دفعات اقرار، مخیر بودن امام در اقامه حد و عفو و نقش شاکی خصوصی با یکدیگر فرق دارند.
- ۵- تعارض در اقرار یعنی اینکه گفتار مُقر با اقرار دیگری برخورد کند که آن اقرار نیز دارای شرایط حجیت باشد و بتواند در مقابل گفتار مُقر بایستد که این تعارض هم در باب مسائل حقوقی و مالی پیش می آید و هم در باب جنایات.

## ۲. تعاریف و واژه‌شناسی موضوع

### ۲-۱. اقرار در لغت و اصطلاح

#### ۲-۱-۱. اقرار در لغت

اقرار در لغت مصدر باب افعال از ریشه قرّ، یقرّ (به فتح و کسر قاف) قراراً گرفته شده است.

راغب اصفهانی در «المفردات» می‌گوید: «قرّ فی مکانه یقرّ قراراً، اذا ثبت ثبوتاً جامداً»<sup>(۱)</sup> و اصل آن از «قرّ» به معنی سرما است که مقتضی سکون و قرار و آرامش است. در «القاموس المحيط» و «مجمع البحرین» و «لسان العرب» اقرار به معنای اعتراف آمده است.<sup>(۲)</sup> در «مسالك الافهام» آمده است: الشیء یقرّ، قراراً اذا ثبت و استقرّ فی مکانه،<sup>(۳)</sup> بنابراین اقرار به معنای اثبات امری است مثل اینکه مقرر با اقرارش چیزی را که متزلزل و ناپایدار است ثابت می‌کند؛ مقرر اسم فاعل از اقرار است.

۱- ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم (مصر: دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ه.ق)، ص ۳۹۷-۳۹۸.

۲- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط (بیروت: دارالمعرفة، [بی تا])، ج ۲، ص ۱۶۴؛ شیخ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین (بیروت: دارالمکتبة الهلال، ۱۹۸۵ م)، ج ۳، ص ۴۵۶؛ جمال‌الدین محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دارالفکر، [بی تا])، ج ۵، ص ۸۸.

۳- زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام (بیروت: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۶ ه.ق)، ج ۱۱، ص ۷.



## ۲-۱-۲. اقرار در اصطلاح

اقرار در اصطلاح شرعی عبارت است از اینکه کسی از حقی که دیگری بر عهده او دارد خبر دهد. (۱)

در ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی آمده است: «اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود». معنای لغوی و اصطلاحی در این جهت با یکدیگر متفقند که مقرر با خبری که می‌دهد، حقی را به زیان خود اثبات می‌کند. بنابراین از تعریف فوق مشخص می‌شود که اقرار از مقوله اخبار است نه انشاء پس عقد یا ایقاع نیست، اقرار حقی را ایجاد نمی‌کند! بلکه حقی را که قبلاً بر ذمه مقرر ایجاد شده را بیان می‌دارد. (۲)

درست است که اقرار، اخبار از حق سابق است ولی شامل اخبار از حقی که ادای آن مؤجل است نیز می‌شود. زیرا حق مؤجل، حق بودنش امری سابق است و فقط استحقاق مطالبه بر آن مربوط به آینده می‌شود، و اقرار خبر دادن از اصل حق است؛ لکن چون اگر مقرر اقرار به اصل حق کند، مطالبه حق از سوی مقرر در همان زمان لازم می‌آید، بنابراین مقرر با ذکر مدت آن را دفع می‌کند. (۳)

چون اخبار عام است، ابتدا شامل هرگونه خبری حتی دعوی و شهادت نیز می‌شود، ولی چون حق باید به زیان مقرر باشد، بنابراین مدعی از تعریف خارج می‌شود. همچنین شهادت، زیرا حق مورد شهادت به ضرر شهود نیست. بنابراین هرگاه شهادت به ضرر خود باشد، ماهیت اقرار را دارد. لذا فقهاء در آیه مبارکه «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ» (۴) شهادت به ضرر خود را اقرار دانسته‌اند. (۵)

۱- ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن محقق حلی (محقق اول)، المختصر النافع (مصر: دارالکتاب العربی، ۱۳۷۶)، ص ۲۴۳.

۲- زین الدین بن علی بن احمد عاملی شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (قم: مطبعة بهمن، [بی تا])، ج ۶، ص ۳۸۰.

۳- علی بن الحسین بن عبدالمعانی الکرکی، (محقق کرکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد (قم: موسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه.ق)، ج ۹، ص ۱۸۶.

۴- نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند به ضرر خودتان باشد. قرآن کریم، نساء، آیه ۱۳۵.  
۵- یعنی طلبکار با اختیار خود حقی را که برگردن دیگری دارد، ساقط کند و از آن صرف نظر نماید. مثلاً فلانی را از تمامی حقوقی که بر او داشته‌ام ابراء نمودم که در این صورت مقرر نمی‌تواند، حقوقی که قبل از اقرار بر ذمه مقرر داشته مطالبه کند. (محمدحسن بن باقر النجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم (بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا])، ج ۳۵، ص ۲-۳؛ روح‌الله الموسوی الخمینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۹).

قید حق در تعریف اقرار، هم شامل حقوق خصوصی یعنی حق الناس و امور مالی می شود؛  
و هم شامل حقوق عمومی یعنی حق الله و حدود الهی.  
همچنین هرگاه مؤقر، به امری اقرار می کند؛ فرقی بین نفی و اثبات نیست. یعنی فرقی  
نمی کند که مؤقر از حق دیگری علیه خود خبر بدهد یا از نفی حق خود در قبال دیگری خبر  
دهد، مانند اقرار به ابراء.<sup>(۱)</sup>

### ۲-۱-۳. فقه در لغت و اصطلاح

ابن منظور در تعریف لغت فقه می گوید: «الفقه: العلم بالشیء والفهم له... و الفقه فی الاصل  
الفهم».<sup>(۲)</sup> فقه علم به شیء و فهم برای آن است... و فقه در اصل فهمیدن است. و در اصطلاح  
دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آنهاست. بنابراین فقه، مطلق دانستن احکام  
نیست؛ بلکه دانستن استدلالی احکام است. یعنی دانستن از روی ادله، در اثبات آنها نه در  
ثبوت».

منظور از واژه فقه در این رساله ادله تفصیلی فقهاست و استدلال آنان از قرآن، سنت،  
اجماع و عقل. به عبارتی دیگر فقه، علم به احکام شرعی فرعی، از راه ادله تفصیلی آنهاست.

### ۲-۱-۴. حقوق

این واژه در معانی ذیل به کار رفته است:

۱- جمع حق، خواه حق جزائی باشد، خواه حق کلی، خواه حق الله باشد خواه حق الناس،  
حقوق فردی یا حقوق عمومی.

۱- محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۱، ص ۵۲۲ و ۶۰۸-۶۰۹.

۲- جمال الدین محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۲۲.

۲- موجب یا اجرت کار کارمندان دولت که متعلق حق تقاعد است.

۳- ترجمه Droit یعنی مجموعه قوانین یک کشور که ضمانت دارد.<sup>(۱)</sup>

در این رساله منظور از فقه، فقه امامیه می باشد و حقوق موضوعه، مجموعه حقوقی که در ایران در مورد مُقِر و اقرار وضع شده است.

## ۲-۲. ارکان اقرار

### ۲-۲-۱. مُقِر

مُقِر اولین رکن اقرار است و به کسی اطلاق می شود که به زیان خود و به سود دیگری به چیزی اقرار کند. مُقِر اسم فاعل از اقرار است و دارای شرایطی است که در محل خود راجع به آن بحث خواهد شد.

### ۲-۲-۲. مُقَرَّله

دومین رکن اقرار و کسی که اقرار به سود او صورت می گیرد، مُقَرَّله نام دارد. برای صحت اقرار، شرایط زیر در وی لازم است:

۱- حقیقتاً یا شرعاً موجود باشد؛ بنابراین اقرار برای معدوم مطلق و کسی که هنوز نطفه او منعقد نشده است معتبر نیست.

در ذیل ماده ۱۲۶۶ قانون مدنی آمده است: «مُقَرَّله بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه به نفع او اقرار شده است بشود». از این ماده چنین بر می آید که مُقَرَّله باید در زمان اقرار، موجود باشد. در اقرار برای حمل فقها اتفاق نظر دارند که صحت اقرار مشروط به احراز و یقین به وجود حمل، در هنگام اقرار است. اعم از اینکه حقیقتاً احراز شود مثل اینکه در مدت کمتر از شش ماه از زمان اقرار، حمل، متولد شود یا اینکه شرعاً و به حکم شرع، به وجود حمل

---

۱- محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸)، ج ۳، ص ۱۷۱۶.

در زمان اقرار حکم شود مثل اینکه مادر حمل، شوهر یا مالک متمکن از وطی نداشته باشد و حمل در مدت بیشتر از شش ماه از زمان اقرار و قبل از سپری شدن اقصی مدت حمل، متولد شود. چرا که شرع، در این مدت نسب فرزند را به پدر او ملحق دانسته است. از این رو شرعاً به وجود حمل، در هنگام اقرار حکم می‌شود اگر چه حقیقتاً یقین به وجود حمل در زمان اقرار نیست و ممکن است بعد از اقرار، بوسیله وطی مجدد حادث شده باشد. (۱)

۲- اهلیت تملک و استحقاق مقرر به را داشته باشد؛ مقرر له باید بتواند مالک مقرر به شود. برای صحت اقرار لازم نیست مقرر له دارای اهلیت استیفاء باشد و بتواند حق خود را دریافت نماید. چرا که این حق را دیگری (ولی یا قیم) نیز می‌تواند از طرف او اعمال کند. (۲)

۳- مقرر له معلوم باشد یا جهالت فاحش نداشته باشد: اگر مقرر له بطور کلی مجهول باشد، اقرار صحیح نیست مثل اینکه مقرر بگوید: برای یکی از انسانها برعهده من هزار درهم است و آن شخص را نشناسد. ولی اگر مقرر له فی الجملة معلوم باشد مثل اینکه مقرر برای یکی از دو نفر معین اقرار نماید، اقرار صحیح است. (۳)

#### ۲-۲-۳. مقرر به

سومین رکن از ارکان چهارگانه اقرار، مقرر به است. و آن عبارت است از امری که مقرر از وجود آن و بر ضرر خود خبر می‌دهد. برای صحت اقرار، شرایط زیر در مقرر به لازم است:

۱- عقلاً یا عادهً ممکن باشد؛ حجیت اقرار به اعتبار این است که حقیقت را نشان می‌دهد و کاشفیت از واقع است. بنابراین چنانچه وجود حق، برای مقرر له، عادهً یا عقلاً ممکن نباشد، معلوم می‌شود که مقرر، دروغ گفته است و چنین اقراری لغو و بلااثر است.

۲- شرعاً و از نظر قانون صحیح بوده و منع قانونی و شرعی نداشته باشد. در مواردی که مقرر به مال باشد، علاوه بر دو شرط بالا، شرایط زیر نیز لازم است.

۱- محمدحسن النجفی، جواهرالکلام، پیشین، ج ۳۵، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۲- همان، ص ۱۲۰.

۳- جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، پیشین، ج ۳، ص ۶۹۴.